بسم الله الرحمن الرحیم

# فرهنگ اصطلاحات و کلیشه‌های

## فارسی- انگلیسی


**مهدی ناصری**

**رسول محمد حسین پور**

**رضا باقری نویسی**

| | | |
|---|---|---|
| سرشناسه | : | ناصری، مهدی، ۱۳۵۹ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : | فرهنگ اصطلاحات و کلیشه‌های فارسی- انگلیسی/مهدی ناصری، محمدحسین‌پور، رضا باقری‌نویسی. |
| مشخصات نشر | : | قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۹. مشخصات ظاهری ۴۵۶ ص. |
| شابک | : | 978-600-843660-7 |
| موضوع | : | ضرب‌المثل‌های فارسی / Proverbs, Persian |
| موضوع | : | ضرب‌المثل‌های انگلیسی / Proverbs, English |
| موضوع | : | محمدحسین‌پور، رسول، ۱۳۵۷ - |
| موضوع | : | mohammad Hossaeinpur , Rasoul |
| شناسه افزوده | : | باقری‌نویسی، رضا، ۱۳۶۱ - Bagherynevisi, Reza |
| شناسه افزوده | : | دانشگاه قم / University of Qom |
| رده بندی دیویی | : | PIR ۳۹۹۶ |
| رده بندی کنگره | : | ۳۹۸ / شماره کتابشناسی ملی ۶۵۰۰۵۱۵ |

**انتشارات دانشگاه قم**

عنوان: فرهنگ اصطلاحات و کلیشه‌های فارسی- انگلیسی

مؤلّف: مهدی ناصری، رسول محمد حسین پور، رضا باقری نویسی

چاپ و صحافی: هوشنگی

ناظرفنی: علیرضا معظمی

صفحه آرا: حسین معظمی

طراح جلد: احمد رضا حیدری

نوبت و سال چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۲۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۶۰-۷

آدرس الکترونیکی: **Publication@ Qom. ac.ir**





قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

تلفن: ۳۲۱۰۳۳۴۴ -۰۲۵نمابر: ۳۲۱۰۳۳۴۵-۰۲۵

## فهرست مطالب

## دیباچه

چه نیازی موجب گردآوری «فرهنگ اصطلاحات و کلیشه‌های فارسی– انگلیسی» شده است؟ و پرسش دیگر آن که تفاوت این اثر با کتاب‌های مشابه دیگر در چیست؟

در پاسخ باید گفت اگر چه تاکنون، مجموعه اصطلاحات فارسی خوبی از جمله «مجمع الأمثال هبله‌رودی» (از کهن‌ترین مجموعه‌های ضرب‌المثلی که در سال ۱۰۴۹ قمری نوشته شده است)، «امثال و حکم دهخدا» (دومین و مشهورترین مجموعه‌ی ضرب‌المثل‌فارسی)، و مجموعه ضرب المثل‌های فارسی و انگلیسی ارزشمندی از جمله «امثال فارسی به انگلیسی» از پدر فرهنگ نویسی دوزبانه ایران، سلیمان حییم، «فرهنگ منظوم و منثور ضرب المثل‌های فارسی و معادل انگلیسی آنها از مؤلف ارجمند دکتر منوچهر موسوی»، «فرهنگ ضرب المثل‌ها و اصطلاحات فارسی و انگلیسی» از نگارندگان همین اثر، و... غیره منتشر شده است؛ اما هنوز جامعه‌ی ما در زمینه‌ی فرهنگ اصطلاحات و کلیشه‌ها باکمبودهای فراوان روبروست و در این میان، جای مجموعه‌ای از اصطلاحات فارسی و انگلیسی، خالی است؛ مجموعه‌ای جامع، پیراسته، کارآمد و آسان‌یاب که:

- دربر دارنده‌ی اصطلاحات و کلیشه‌های مشترک فارسی و انگلیسی باشد.
- بر اساس واژه‌ی مهم و نیز مفهوم اصطلاحات، تنظیم شده و با استفاده از ارجاعات، به کاستن صفحات کتاب و موضوعی شدن آن، کمک کرده باشد.
- دربر گیرنده‌ی روایت‌های گوناگون یک اصطلاح، و معادل‌های آن در دو زبان باشد.
- اصطلاحات و کلیشه‌های انگلیسی موجود در آن، به زبان ساده، شرح داده شده باشد.
- در بردارنده‌ی نحوه به کارگیری اصطلاحات و کلیشه‌های انگلیسی با مثال‌های متعدد باشد.
- به دور از هر گونه اظهار نظر شخصی، در بردارنده‌ی توضیحات و مثال‌های کاربردی برای اصطلاحات انگلیسی باشد.
- درست‌ترین و دقیق‌ترین معادل را دربرداشته باشد.
- معادل‌های فارسی و معادل‌های انگلیسی ذکر شده، روزآمد و کارآمد باشند.
- آسان‌یاب باشد؛ به گونه‌ای که خواننده به سرعت جمله‌ی مورد نظر خود را با مشخص کردن واژه‌ی مهم اصطلاح، بیابد.

این فرهنگ که اینک به جامعه‌ی ادبیات تطبیقی و دوست‌داران زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی تقدیم می‌شود، حاصل دوازده سال کار و تلاش برای رسیدن به هدف‌های بالاست. تدوین اصطلاحات بر اساس واژه‌ی اصلی و مفهومی آنها، نوعی تقسیم‌بندی موضوعی بوده که این امکان را برای خواننده فراهم می‌آورد تا روایت‌های گوناگون و معادل‌های مختلف یک اصطلاح را به سرعت و آسان پیدا کرده و با متداول‌ترین و جالب‌ترین و ژرف‌ترین اصطلاحات و کلیشه-های مشترک میان دو زبان آشنا شود.

## شیوه‌ی تنظیم

روش کار در تطابق اصطلاحات و کلیشه‌های فارسی و انگلیسی این چنین خواهد بود که نخست، معادل‌های فارسی، ذکر شده و آنگاه اصطلاحات و کلیشه‌های انگلیسی، بیان می‌گردد. اگر چه در بیشتر فرهنگ‌های اصطلاحات که تاکنون منتشر شده است، از تقسیم‌بندی حرف به‌حرف و یا الفبایی استفاده شده، که آسان‌ترین شیوه از نظر تدوین و بدترین شیوه برای خوانندگان است، ولی ما در این مجموعه از تقسیم بندی موضوعی بهره گرفته‌ایم که دشوارترین شیوه از نظر تدوین ولی بهترین شیوه برای خوانندگان است. بارزترین کاستی تقسیم‌بندی حرف به حرف، پراکنده‌گویی و بی‌نظم بودن مضامین مطرح شده خواهد بود؛ به‌گونه‌ای که اصطلاحات، بدون ارتباط معنایی با یکدیگر و تنها بر اساس ترتیب الفبایی ذکر می‌شوند. در تقسیم‌بندی حرف به‌حرف، اصطلاحاتی که مضامین مشابهی دارند، به صورت پراکنده و در صفحات مختلف کتاب آورده می‌شود. این در حالی است که در تقسیم بندی موضوعی، تمامی اصطلاحات مشابه و هم معنا، در ذیل یک مدخل، جمع آوری می‌گردد که برای خواننده، بسیار سودمند خواهد بود. برای نمونه در این تقسیم‌بندی، تمامی اصطلاحات زیر را که دارای مضمون مشابه بوده و یا با یکدیگر ارتباط معنایی دارند، در ذیل مدخل "خوردن" آورده‌ایم:

- روده بزرگه، روده کوچیکه را خورد

To be hungry as a bear.
To be hungry as a hunter.
Starve for some food.

- مثل گاو خوردن

Eat like a horse.
Eat like a pig.

● روی سر کسی خراب شدن (همه غذای کسی را خوردن)

Eat someone out of house and home.

● مثل گنجشک غذا خوردن

Eat like a bird.

عبارت‌های زیر نیز- که همگی روایت‌های‌گوناگون یک اصطلاح بوده و یا با یکدیگر ارتباط معنایی دارند و در تقسیم بندی الفبایی، پراکنده و در صفحات مختلف کتاب‌ها می‌آیند- در تقسیم بندی انجام شده در این مجموعه، همگی در ذیل مدخل "گوش" ذکر می‌شوند:
از یک گوش شنیدن و از گوش دیگر در کردن‖ پنبه در گوش کردن‖ پشت گوش انداختن‖ بی‌توجه بودن‖ گوش شنوا نداشتن‖ گوش کسی بدهکار نبودن‖ یاسین به گوش خر خواندن...

Go in one ear and out the other.
Turn a deaf ear.
Turn a blind eye (to someone or something).

چنانچه ملاحظه گشت، از برجسته‌ترین ویژگی‌های این تقسیم‌بندی، این است که روایت‌های گوناگون و مترادف‌های یک اصطلاح در زیر آن آورده می‌شود و از طرف دیگر آسان‌یاب بوده و خواننده به سرعت و به سهولت، جمله‌ی مورد نظر خود را با مشخص کردن واژه‌ی مهم یک اصطلاح (برای نمونه «گوش» در مثال بالا)، می‌یابد؛ این در حالی است که در تقسیم‌بندی حرف به حرف، برای یافتن اصطلاحات مترادف، باید به بخش‌های مختلف کتابا، مراجعه کرد.
گاهی در کنار مدخل اصلی، چندین مدخل فرعی نیز ذکر می‌گردد که در این‌صورت، نخست اصطلاحاتی که با مدخل اصلی آغاز شده و سپس اصطلاحاتی که با مدخل فرعی شروع شده است، بیان می‌گردد. برای نمونه: خواب- بیداری- صبح- سحر:

● **توی رختخواب پریدن**‖ خوابیدن‖ رفتن و خوابیدن‖ گرفتن و خوابیدن‖ «یونجه و یا علف خشک را زدن- بر روی علف خشک و یا گونی پریدن»

**Hit the hay (and Hit the sack).**

[Informal] *Fig.* to go to bed; to get into bed. □*I have to go home and hit the hay pretty soon. ...*

● **خواب عمیق** || به خواب عمیق فرو رفتن || خوب خوابیدن || کاملا خواب بودن.

**Fast asleep.**

In a deep, sound sleep. Sleeping very deeply. □*Nick was lying on the sofa, fast asleep.*

● **به خواب رفتن** || چُرت زدن.

**Drop off.**

To fall asleep quickly and easily, especially without intending to. □*Insomnia can mean dropping off in the day.* □*I dropped off to sleep.* □*She dropped off in front of the TV.*

● **از دنده چپ بلند (بیدار) شدن** || بد قلق و بداخلاق شدن || سر ناسازگاری گذاشتن || بدخلق و تُرش رو بودن || عبوس بودن || «روی (سمتِ) اشتباهِ تخت، بلند و یا بیدار شدن»

**Get up/wake up on the wrong side of bed.**
**Get out of the wrong side of bed.**

To seem grouchy on a particular day. Be in a grouchy, irritable state. To begin the day feeling unhappy and uncomfortable. □*Don't talk to the boss today. It looks like she woke up on the wrong side of the bed.*

● **از کله سحر تا بوق سگ** || از اول صبح تا آخر شب || «از سپیده دم تا هنگام غروب»

**From dawn to dusk.**

From the rising of the sun to the setting of the sun. □*I have to work from dawn to dusk on the farm.*

چنانچه ملاحظه می‌گردد، مدخل اصلی در اینجا کلمه "خواب" و مدخل فرعی کلمه "بیداری، صبح و سحر" است. از این رو نخست، اصطلاحاتی که با کلمه "خواب" شروع شده‌اند، را ذکر کرده و سپس اصطلاحاتی که با مدخل فرعی شروع می‌شود را، بیان نموده‌ایم.

نکته بسیار مهم در خصوص اصطلاحات مشترک فارسی و انگلیسی، این است که اصطلاحات دو زبان در بسیاری از موارد تطابق کامل با هم نداشته و تنها در بخشی از معانی خود با هم مشترک هستند؛ به عبارتی دیگر، اصطلاحات در هر زبان، اغلب، معانی کلی‌تری از معادلی که برای آنها در زبان دیگر ذکر می‌شود، دارند که البته معمولا معنای اصلی اصطلاح معادل در زبان دیگر را

نیز در برداشته ولی علاوه بر آن، دارای چندین معانی دیگر نیز هستند که اصطلاح معادل، هیچ‌گاه نمی‌تواند تمامی آن معانی را منتقل نماید. برای حل این مشکل و برای فهم و درک بیشتر اصطلاحات انگلیسی، تلاش شده است تا ترجمه تحت اللفظی آنها نیز به عنوان آخرین معادل فارسی در داخل گیومه، ذکر شود. برای نمونه:

- مگه داری عروس می‌بری‌ || «**راننده روزِ یک‌شنبه (روزِ تعطیل که مردم در آن عجله‌ای ندارند.)**»

**Sunday driver.**

- آشی پختن که یک وجب روغن، رویِ آن باشد || «**غازِ کسی را پختن**»

**Cook someone's goose.**

- بد اخلاق بودن || مثلِ برج زهر مار || «**مثلِ خرسی با سرِ دردناک- مثلِ خرسی با سر زخمی**»

**Be like a bear with a sore head.**

یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگ حاضر، این است که علاوه بر معادل یابی اصطلاحات و کلیشه‌های فارسی در انگلیسی، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین این اصطلاحات، به زبان ساده و روان به انگلیسی تعریف شده و در قالب چندین مثال کاربردی نیز، به کارگرفته شده است؛ که این توضیحات نیز در بسیاری از موارد، می‌تواند ترجمه مفهومی اصطلاح فارسی، تلقی شود. گفتنی است که بیشتر توضیحات و مثال‌های کاربردی از منابع زیر گرفته شده است:
(Free Dictionary)، (NTC's Dictionary of Proverbs and Clichés)، (Abadis Dictionary) و (Dictionary of Popular Proverbs and sayings).

برای نمونه:

- مته به خشخاش گذاشتن || به جزئیات بند کردن || به جزئیات پرداختن || موشکافی کردن || به جزئیات غیر ضروری پرداختن || مو لای درزش نمی‌رود.

**Split hairs.** *(Free Dictionary)*

To make small and overfine distinctions. To quibble. To try to make petty distinctions. To see or make trivial distinctions. To argue about whether

details that are not important are exactly correct. To argue about very small differences or unimportant details. □*They don't have any serious differences. They are just splitting hairs.* □*Don't waste time splitting hairs. Accept it the way it is.* □*Let's not split hairs about whose turn it is; I'll close up today and you do it tomorrow.* □*'She earns three time what I earn.' 'Actually, it's more like two and a half.' 'Oh stop splitting hairs!'* □*It's splitting hairs to tell people that they cannot lie but it is all right if they exaggerate.* □*One of those medieval disputes which split hairs endlessly.*

همانگونه که ملاحظه می‌شود شرح و توضیحی که در ذیل اصطلاح انگلیسی فوق، آمده است، خود می‌تواند معادل مناسبی برای اصطلاح مذکور به حساب آید.

## تعریف اصطلاح و کلیشه

**اصطلاح (Idiom):** ترکیبِ مشخص و ثابتی از دو یا چند واژه که دارای معنای دقیق و ویژه‌ای بوده و دربیشتر موارد، مفهومی متفاوت با آنچه تک تک واژه‌های آن می‌رساند، دارند:

- پشت گوش انداختن:

**Turn a deaf ear.**

- نمک روی زخم کسی پاشیدن:

**Add insult to injury.**

**کلیشه** (Cliché): عبارت رایج یا گفته‌ای است که قبل و بعد از آن متغیر بوده ولی این عبارت در موقعیت‌های مختلف به طور ثابت تکرار می‌گردد. برای نمونه:

- اسمم رو عوض می‌کنم اگر...

**I'll eat my hat if …**

- از آسمان سنگ هم بباره...

**(come) rain or shine…**

- اُ، چرا زحمت کشیدی؟!

**Oh! You shouldn't have!**

**علائم و نشانه‌های به کار رفته در این مجموعه:**

(←) رجوع کنید به مدخل مشخص شده

(+←) برای یافتن معادل‌های بیشتر برای اصطلاح یادشده، به مدخل مشخص شده رجوع کنید.

(×←) برای یافتن اصطلاحات متضاد، به مدخل مشخص شده رجوع کنید.

( / ) فاصله میان دو مصراع

( ا ) فاصله میان دو اصطلاح فارسی

(●) نشانه اصطلاح و یا کلیشه اصلی

در پایان، بدیهی است که گردآوری فرهنگی با این حجم، خالی از لغزش و کاستی نخواهد بود، و چنین کاری نیز، بی‌عنایت دیگران به کمال نخواهد رسید؛ چنانچه برنمی‌خیزد به تنهایی صدا از هیچ دست. از این‌رو از خوانندگان محترم تقاضا داریم تا هرگونه نقد و نظر خود را در رابطه‌ی با این اثر از طریق ناشر به نگارندگان منتقل نمایند تا بتوانیم در آینده نزدیک، کاستی‌های آنرا برطرف سازیم.